

پیشگفتار

اقتصاد منطقه‌ای اگرچه در حال حاضر در دانشگاه‌های کشور به‌عنوان یک رشته مستقل تعریف نشده است و به‌طور عموم در چهارچوب یک درس برای رشته‌های مختلف مانند اقتصاد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد شهری و... مورد توجه است؛ اما با توجه به اهمیت مسائل و موضوعات مختلف اقتصادی که تحت تأثیر مکان‌یابی و سازمان فضایی قرار می‌گیرند (از جمله مطالعات آمایش و برنامه‌ریزی فضایی)، شایسته است که در نظام دانشگاهی کشور، اقتصاد منطقه‌ای به‌عنوان یک رشته تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به همین سبب دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۸۰ گرایش اقتصاد شهری و منطقه‌ای را در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به‌طور جدی مورد توجه قرار داد و طی سال‌های گذشته دانش‌آموختگان فراوانی را تربیت نمود، که بسیاری از آن‌ها جذب بازار کار شده‌اند. علاوه بر این، طی سال‌های اخیر در این دانشگاه به رشته اقتصاد شهری نیز توجه شده و با تصویب سرفصل‌های رشته اقتصاد شهری در مقطع کارشناسی ارشد اقدام به پذیرش دانشجو کرده است. در حال حاضر پسندیده است که نظام دانشگاهی اقدام به تهیه سرفصل رشته اقتصاد منطقه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد نماید و در دانشگاه‌ها این موضوع مهم و بااهمیت به‌عنوان یک رشته تحصیلی مستقل به رشته‌های دانشگاهی افزوده شود.

کتاب حاضر با عنوان *اقتصاد منطقه‌ای* عمدتاً برای رشته اقتصاد، اقتصاد شهری و منطقه‌ای و اقتصاد شهری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدوین شده است و حاصل سال‌ها تجربه تدریس این درس توسط مؤلفان در دانشگاه‌های کشور است.

هدف این کتاب، مطالعه ادغام فضا در حوزه اقتصاد عمومی به صورت تحلیلی است. کتاب در یازده فصل تنظیم شده است، به گونه‌ای که فرایند تکاملی دانش را برای فراگیران رشته‌های مرتبط فراهم می‌سازد و به داشتن درک فضایی آن‌ها در حل مسائل اقتصادی می‌تواند مفید باشد. مسائل اقتصادی می‌توانند در چندین سطح مختلف به وجود آیند. برخی از آن‌ها در درجه اول مربوط به سطح اقتصاد خرد (همچون نظریه مکان، شامل اصول اساسی

نظریه اقتصادی کاربری زمین، ترجیحات فضایی، تصمیمات و تجربیات واحدهایی مانند خانوارها یا بنگاه تجاری) هستند و برخی دیگر شامل رفتار گروه‌های زیادی از مردم (شامل تصمیمات کل صنایع، محدوده‌های شهری یا منطقه‌ای، توسعه اقتصادی منطقه‌ای و نظریه تعادل فضایی) هستند که عمدتاً ماهیت اقتصادی کلان دارند. در کتاب حاضر، مسائل در هر دو حوزه خرد و کلان مطابق با فصل‌های متوالی بعدی دنبال شده است.

اگرچه آموخته‌های قبلی در زمینه اقتصاد خرد و کلان برای درک بهتر مباحث کتاب لازم است؛ اما تلاش مؤلفان تا حد امکان ساده‌سازی مفاهیم کتاب برای درک بهتر سایر رشته‌ها - غیر از اقتصاد - برای مباحثی است که پیش‌زمینه‌های اقتصادی لازم دارند.

فصل اول کتاب به درک مفهوم منطقه و اقتصاد منطقه‌ای پرداخته است، موضوعی که نزد علوم مختلف و نظریه‌پردازان با تعدد و تفاوت در مفهوم روبه‌رو است. فصل دوم به موضوع اساسی و بنیادی در اقتصاد منطقه‌ای یعنی مکان‌یابی اختصاص دارد. مکان‌یابی بنگاه و خانوار از جمله اساسی‌ترین مباحث اقتصاد منطقه‌ای است؛ در این فصل مکان‌یابی به صورت اعم و عمدتاً به مکان‌یابی فعالیت‌ها پرداخته است و تجزیه و تحلیل تصمیمات قیمت‌گذاری و تقاضا در زمینه فضایی توسعه داده شده است. این تجزیه و تحلیل، برخی از اصول اقتصاد مربوط به نظریه قیمت‌گذاری و تصمیمات بنگاه‌ها را با لحاظ نمودن بُعد فضایی گسترش می‌دهد. در نتیجه، می‌توان رابطه بین سیاست‌های قیمت‌گذاری و منطقه بازار فروشنده را به طور کامل درک کرد. همچنین درمی‌یابیم که فضا بُعد دیگری را برای رقابت بین فروشندگان فراهم می‌کند. علاوه بر این، این تجزیه و تحلیل به عنوان پایه‌ای برای درک الگوهای مکان‌یابی کل صنایع خواهد بود. این فصل به مکان‌یابی بنگاه‌ها اختصاص یافته است و با توجه به اهمیت مکان‌یابی خانوار، در فصل چهارم این موضوع مورد بحث قرار گرفته است.

فصل سوم در ادامه موضوع مکان‌یابی فعالیت‌ها، به چگونگی شکل‌گیری بازار و نواحی بازار برای فعالیت‌ها اختصاص دارد. هر فعالیتی با توجه به نوع و ماهیت خود در بازار مرتبط با خود شکل می‌گیرد. در این فصل همچنین به منظور درک الگوهای شهرنشینی در یک منطقه مفاهیم فاصله، اندازه و عملکردهای شهرها و به‌ویژه رابطه بین اندازه و عملکرد آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و تئوری مکان مرکزی ارائه می‌گردد و به برخی سؤالات درباره سلسله‌مراتب شهرها پاسخ داده می‌شود.

فصل چهارم با توجه به اهمیت مکان‌یابی خانوارها در سطح شهرها به صورت اختصاصی به مکان‌یابی خانوار توجه کرده است. چگونگی استقرار خانوارها در سطح شهرها،

ساختار فضایی شهرها را شکل می‌دهد. همانند بنگاه‌ها، یک واحد غیرتجاری مانند خانوار، با مسائل مشابهی در انتخاب مکان روبه‌رو است، اگرچه عواملی که یک خانوار در انتخاب مکان در نظر می‌گیرد ممکن است نسبتاً متفاوت باشد؛ چراکه در انتخاب مکان توسط آن‌ها، متغیرهایی همچون قیمت و سود کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این فصل با داشتن دیدگاه اقتصاد خردی به تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد و براساس آن همه مکان‌ها، شرایط و فعالیت‌های غیر از واحد مورد نظر به صورت داده شده در نظر گرفته می‌شوند، حال مشکل واحد فرد یا خانوار این است که تصمیم بگیرد چه مکانی را ترجیح دهد و برای سکونت انتخاب کند.

تجزیه و تحلیل کاربری زمین در فصل چهارم، همچنین به‌عنوان مبنایی برای درک سازماندهی فضایی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق شهری عمل می‌کند، همچنین در این فصل دلایل و پیامدهای تغییرات در ساختار فضایی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حالی که برخی از موضوعات مطرح شده در فصل دوم به عوامل مؤثر در پراکندگی فروشندگان در یک صنعت مربوط می‌شوند، فصل پنجم نیروهای قدرتمندی که ممکن است فروشندگان را در فضا به هم نزدیک کنند، تشخیص می‌دهد. چگونگی استقرار فعالیت‌ها در پهنه سرزمین با توجه به نوع رابطه عملکردی، موضوع اساسی در اقتصاد منطقه‌ای است. این روابط عملکردی مفهومی را تحت عنوان خوشه‌بندی به وجود می‌آورند. خوشه‌بندی که به معنی تمرکز فضایی فعالیت‌هاست می‌تواند پیامدهای مهمی برای مناطق یا مناطق محلی داشته باشد که در فصل پنجم به تفصیل شرح داده شده است.

فصل ششم به موضوع جدیدی تحت عنوان اقتصاد فضا پرداخته است و با به رسمیت شناختن این واقعیت که فعالیت‌ها نیاز به فضا دارند بحث خود را آغاز می‌کند. موضوع اقتصاد فضا منتج از چگونگی استقرار فعالیت‌ها در پهنه سرزمین است، ولی با توجه به اهمیت آن، به‌خصوص در سال‌های اخیر، به صورت یک فصل مستقل مورد توجه قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به اقتصاد فضا، به فاصله زمانی به‌عنوان یک مانع دسترسی توجه شده است. البته فضا نقش جالب و دوگانه‌ای در محل فعالیت‌ها دارد. از یک طرف، فاصله زمانی نشان‌دهنده هزینه بیشتری است که برای دسترسی به امکانات، محل کار و غیره باید صرف شود؛ از طرف دیگر این فاصله به‌عنوان مانعی برای هجوم تمام کاربران برای استفاده از امکانات موجود در یک محدوده جغرافیایی و ایجاد ازدحام عمل می‌کند و می‌تواند یک عامل مثبت تلقی شود.

در اقتصاد منطقه‌ای تخصص و تنوع فعالیت‌ها دو موضوع مهم هستند که مناطق با توجه به ظرفیت‌های موجود یکی از این دو را انتخاب می‌کنند. موضوع تخصصی شدن فعالیت‌ها بحث اصلی فصل هفتم کتاب است.

فصل هشتم به جریان بین مناطق در خصوص سه متغیر مهم کار، کالا و سرمایه پرداخته است. هر عدم تعادلی در مناطق باعث جریان این سه متغیر اصلی می‌شود. این فصل به مناطق مختلف از نظر ساختار و عملکرد آن‌ها می‌پردازد؛ به‌ویژه، به روابط اقتصادی داخلی یا «پیوندهای» بین فعالیت‌ها و علایق مربوط می‌شود که به یک منطقه موجودیتی ارگانیک می‌بخشد و آن را به واحد مفیدی برای توصیف، تجزیه و تحلیل، مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست تبدیل می‌کند.

در کنار نظریات مربوط به مکان‌یابی نظریه‌های مربوط به رشد و توسعه مناطق اهمیت خاصی در اقتصاد منطقه‌ای دارد، فصل نهم موضوع مدل‌های رشد منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده است. این فصل بر روند و علل رشد و تغییر منطقه تمرکز دارد. با مشاهده منطقه به‌عنوان یک موجود زنده، ما درک اساسی از آناتومی و فیزیولوژی آن را توسعه می‌دهیم. تجزیه و تحلیل در این فصل اغلب از نوع اقتصاد کلانی است؛ چراکه بر رشد و توسعه منطقه تمرکز می‌کند. تحت موضوع رشد منطقه‌ای، انواع مدل‌های تقاضامحور و عرضه‌محور مبتنی بر هم‌گرایی مطرح شده است که هر دو بر تقاضای خارجی (صادرات) به‌عنوان نیروی محرکه رشد منطقه تأکید دارند. مدل‌های سمت عرضه نیز به نقش عوامل ورودی، به‌ویژه سرمایه، به‌عنوان کلید افزایش تولید منطقه‌ای نگاه می‌کنند. در این فصل همچنین مدل‌های رشد منطقه‌ای مبتنی بر واگرایی رشد مناطق نیز ارائه شده است و به‌طور کل توضیح داده می‌شود که روند رشد و توسعه منطقه‌ای چگونه می‌تواند تحت تأثیر عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تغییر کند.

یکی از ابزارهای بسیار پرکاربرد در اقتصاد منطقه‌ای تکنیک‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. فصل دهم کتاب به صورت کامل روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای را ارائه کرده است. درنهایت فصل پایانی کتاب به موضوع و مأموریت اصلی دولت‌ها یعنی سیاست‌گذاری در خصوص سیاست‌های منطقه‌ای اختصاص دارد. این فصل با تمرکز سیاست‌های منطقه‌ای مبتنی بر فضا و بی‌توجه به فضا آغاز می‌گردد. پس از آن بحث‌هایی در مورد ابزارهای سیاست منطقه‌ای شامل چگونگی کاهش نابرابری منطقه‌ای و بهبود شرایط مناطق ضعیف دنبال می‌شود.

در پایان خدا را شاکریم که توفیق داد پس از تهیه و تألیف کتاب *اقتصاد شهری* مجموعه دیگری از موضوعات اساسی رشته اقتصاد شهری و منطقه‌ای را با عنوان کتاب *اقتصاد منطقه‌ای* به دست نشر بسپاریم. از همه دوستان، همکاران و دانشجویان که در به انجام رسیدن این کتاب همکاری داشته‌اند و با بیان نکات علمی در تحقق این مهم یاری‌رسان بوده‌اند بسیار سپاسگزارم.

دکتر نعمت‌اله اکبری؛ هیئت علمی دانشگاه اصفهان

دکتر نسرین کریمی؛ دانش‌آموخته دکتری اقتصاد (گرایش اقتصاد شهری و منطقه‌ای) دانشگاه اصفهان

تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

در حال حاضر مفهوم سنتی منطقه با مفهوم معاصر آن متفاوت است و تعاریف بیان شده در این زمینه تا حد زیادی دگرگون شده است. از دیدگاه سنتی، یک منطقه فضایی مشخص را در یک کشور نشان می‌دهد و مناطق خاص شهری را از هم جدا می‌کند. در حالی که درک معاصر این اصطلاح فراتر از معنای کاملاً جغرافیایی آن است. بنابراین، امروزه مناطق دیگر تنها به مرزهای درون یک کشور محدود نمی‌شوند؛ بلکه یک منطقه می‌تواند به سرزمین‌های فراتر از مرزهای کشورها (مانند اتحادیه اروپا) و حتی در ابعاد گسترده‌تر، کشورهایی در یک منطقه جغرافیایی مشخص نیز اطلاق گردد. تا یک دهه گذشته عامل فاصله در درک مفهوم منطقه نقش اساسی ایفا می‌کرد ولی در حال حاضر با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، عنصر فاصله و بُعد مسافت معنای متفاوتی یافته است.

از گذشته تا به امروز مطالعات متعددی در بسیاری از رشته‌های علمی درباره مفهوم منطقه انجام شده است. اگرچه در زمینه‌های مختلف علمی با مفهوم منطقه متفاوت برخورد شده است، اما مقصود همه آن‌ها شناسایی ویژگی‌ها و توصیف نقاط مختلف کره زمین بوده است (Claval, 1974). از اواسط قرن هجدهم اشکال مختلفی از توصیف، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل در مورد اصطلاح منطقه ارائه شده است با این حال ارائه نظرات علمی‌تر در مورد منطقه در اوایل قرن بیستم و زمانی که سیستم‌سازی «جغرافیای منطقه‌ای» اولین قدم‌های خود را، چه در اروپا و چه در ایالات متحده، برداشت، رایج‌تر شد (Whittlesey, 1954). علاوه بر آن پس از جنگ جهانی دوم نیز منطقه و منطقه‌بندی در چهارچوب شکل‌گیری یک شبکه شهری مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات بسیاری که روی شبکه شهری انجام شد، خود مستقیماً به درک جغرافیایی از واقعیت منطقه‌ای منجر گردید.

مهم‌ترین نویسندگانی که اولین تعاریف نظری را درباره منطقه ارائه دادند: آلفرد هتتر^۱

1. Alfred Hettner

در آلمان، ویدال د لا بلاش^۱ در فرانسه و هربرتسون^۲ در بریتانیا بودند (Duarte, 1980). البته در فرانسه، اولین مطالعه جدی درباره مفهوم «منطقه طبیعی» توسط جغرافی دانی به نام لوسین گالوا^۳ در ۱۹۰۸ انجام شد. علی‌رغم تعاریف متعدد از منطقه توسط علوم مختلف، تقسیم سطح زمین به مناطق مشخص و یکنواخت کاری ساده نیست.

امروزه دیگر منطقه یک سیستم بسته نیست و از تأثیرات خارجی نیز تأثیر می‌پذیرد به گونه‌ای که هر منطقه از داخل و خارج با چالش‌هایی مواجه است. اگرچه مرزهای منطقه به‌طور دقیق مشخص نیست اما این مرزها کمابیش روشن هستند. شناخت جغرافیایی مناطق می‌تواند به درک بهتری از تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جهان کمک کند (De Blij, 2005). منطقه نمایانگر واحد سرزمینی است که با روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاص مشخص می‌شود و اغلب از قلمرو یک کشور فراتر می‌رود. علاوه بر آن یک منطقه با مدیریت سیاسی نهادهایی مرتبط است که به توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و انسجام اجتماعی کمک می‌کنند (Mitra, 2013).

با توجه به عناصر مشترک در مفهوم منطقه و در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم آن، به اعتقاد نویسندگان این کتاب می‌توان منطقه را این‌گونه تعریف کرد: «منطقه یک فضا یا قلمرو جغرافیایی است که حداقل در یک عنصر طبیعت ساخت یا انسان ساخت مشترک بوده و عوامل موجود در آن از روابط کارکردی و عملکردی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند» (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰).

حال با توجه به مفهوم و تعریف منطقه، به درک دقیق‌تری از اقتصاد منطقه‌ای می‌توان دست یافت. اغلب به صورت سطحی و به اشتباه تصور می‌شود که اقتصاد منطقه‌ای مطالعه اقتصاد در سطح مناطق اداری است. در حالی که اقتصاد منطقه‌ای شاخه‌ای از علم اقتصاد است که با در نظر گرفتن بُعد «فضا» به تجزیه و تحلیل فعالیت‌ها در بازار می‌پردازد. این اقدام با به کارگیری فضا در طرح‌های منطقی، قوانین و مدل‌های تنظیم و تفسیرکننده شکل‌گیری قیمت‌ها، تقاضا، ظرفیت تولیدی، سطوح تولید و توسعه، نرخ رشد و توزیع درآمد و با وجود نابرابری سهم هر منطقه از منابع، صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، اقتصاد منطقه‌ای به منظور تجزیه و تحلیل در شرایطی که مدل‌های رشد محلی، فضا را به‌عنوان یک منبع اقتصادی و

1. Vidal de la Blache
2. Herbertson
3. Lucien Gallois

به‌عنوان یک عامل تولید مستقل در نظر می‌گیرند، از مفهوم «فضا»^۱ به «قلمرو»^۲ حرکت می‌کند. از آنجا که فضا و موقعیت مکانی عامل اصلی تمایز علم اقتصاد منطقه‌ای از اقتصاد متعارف است، نقطه شروع تحلیل‌های منطقه‌ای، درک چگونگی اهمیت فضا و مکان است. فضا یک مولد مزیت‌های ایستا و پویا برای بنگاه‌هایی است که در آن قرار دارند یا به عبارت دیگر، یک عنصر مهم و اساسی در تعیین رقابت یک سیستم تولید محلی است.

سیستم‌های اقتصادی نهادهایی پویا هستند و ماهیت و پیامدهای تغییراتی که در این سیستم‌ها رخ می‌دهد از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. هرگونه تغییری، بر رفاه افراد و در نهایت ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه و مردم تأثیر می‌گذارد. انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی، نمی‌تواند به تغییراتی که مشاهده می‌کند واکنش نشان ندهد. برخی از افراد، پس از تغییر شرایط در سیستم اقتصادی، متوجه می‌شوند که محیط آن‌ها به‌نوعی تغییر کرده است، لذا مجبور به سازگاری با واقعیت جدید می‌شوند. برای برخی دیگر از افراد، تغییرات در سیستم اقتصادی یک چالش است. آن‌ها به دنبال درک ماهیت عواملی هستند که منجر به تغییر شده و ممکن است در پرتو این دانش، الگوهای رفتاری خود را تنظیم کرده یا سعی در ایجاد تغییر در سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در آن زندگی و کار می‌کنند، داشته باشند. در این زمینه، اقتصاد منطقه‌ای چهارچوبی را نشان می‌دهد که در آن می‌توان ویژگی فضایی سیستم‌های اقتصادی را درک کرد.

اقتصاد منطقه‌ای به دنبال شناسایی عوامل حاکم بر توزیع فعالیت‌های اقتصادی در فضا است و تعیین می‌کند که تغییر این توزیع، پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع به دنبال خواهد داشت. ممکن است تا حدودی تأکید بر اهمیت فضا در فعالیت‌های اقتصادی عجیب به نظر برسد، درحالی که تنها به‌تازگی مورد توجه نظریه‌های اقتصادی قرار گرفته است. در واقع، در تاریخ اقتصاد، تحلیلگران بیشترین توجه و تلاش خود را برای تعیین مقادیر منابع مورد استفاده برای مقاصد مختلف صرف کرده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که مکان‌یابی ابتدا در جایی بوده که منابع و فعالیت‌ها در آنجا قرار داشته‌اند یا جایی که در گذشته، اول آنجا قرار گرفته‌اند. به این ترتیب بین فضا و زمان، اهمیت و اولویت تحلیل‌ها به ابعاد زمانی داده می‌شد. به همین سبب توجه به فضا در تحلیل‌های اقتصادی مورد بی‌توجهی قرار گرفت و تحلیل‌های مکانی با تأخیر مطرح شد.

1. space
2. territory

اقتصاد منطقه‌ای شاخه‌ای نسبتاً جوان از اقتصاد است. شروع دیر هنگام آن نشان‌دهنده تمایل رشته‌های مختلف برای نادیده گرفتن ارتباطشان با یکدیگر و حذف برخی از مشکلات و پیچیدگی‌هایی است که به ترکیبی از رویکردها نیاز دارد. تا همین اواخر، اقتصاددانان سنتی به کلی بُعد مکانی را نادیده می‌گرفتند و راه حل‌های متفاوتی برای حل مشکلات اقتصادی ارائه می‌کردند بدون اینکه هیچ‌گونه بُعد مکانی به تحلیل خود بدهند.

با در نظر گرفتن بُعد مکانی، اقتصاد منطقه‌ای پراکنندگی فضایی و انسجام فعالیت‌های اقتصادی را تحلیل می‌کند. گرچه سازوکار نسبتاً جدیدی است اما تاریخ اقتصاد نشان‌دهنده تلاش‌های مختلفی است که به‌طور صریح به مسائل فضایی پرداخته‌اند و نظریات تطبیقی هزینه‌ها و نظریه‌های تجارت بین‌المللی از آن جمله می‌باشند. علاوه بر این در زمینه تحلیل‌های فضایی اقتصاد، تونن، وبر، لوش، کریستالر و ... مشارکت داشته‌اند. اما رشد واقعی اقتصاد منطقه‌ای به عنوان یک رشته جداگانه تا قبل از جنگ جهانی دوم اتفاق نیفتاد. درحقیقت تا اواسط دهه ۱۹۵۰، اقتصاد منطقه‌ای به عنوان یک چهارچوب تحلیلی پذیرفته شده برای مطالعه پیامدهای مسائل مربوط به تخصیص جغرافیایی مکان مطرح نبود. از آن زمان به بعد بود که اقتصاد منطقه‌ای (و بعداً اقتصاد شهری) پیشرفت بزرگی در دستیابی به درک بیشتر از ساختار و تکامل فضایی سیستم‌های اقتصادی داشتند.

دلایل مختلفی برای تأخیر اقتصاددانان در توجه به فضا وجود دارد: اولاً همان‌طور که اغلب از سوی بنیان‌گذار اقتصاد منطقه‌ای - والتر ایزارد - اشاره می‌شود، یکی از دلایل به تأثیر قاطع مکتب نئوکلاسیک مربوط می‌شود که تجزیه و تحلیل‌های زمانی بر توسعه اقتصادی انجام می‌دادند و در نتیجه متغیر فضا را اغلب به منظور ساده‌سازی نادیده می‌گرفتند. همان‌طور که آلفرد مارشال نوشت: «مشکل در حل مسائل، عمدتاً وابسته به تفاوت‌های فضایی است و در دوره زمانی که بازار مورد بحث گسترش می‌یابد، شدید می‌گردد». دوماً به کارگیری متغیر فضا در تجزیه و تحلیل اقتصادی به‌ویژه اگر در یک رویکرد پویا گنجانده شود، چهارچوب منطقی را پیچیده‌تر می‌کند (عسگری و اکبری، ۱۳۸۰). ابزارهای تحلیلی تاکنون به‌طور هم‌زمان قادر به اداره دینامیکی زمان و مکان، برای اقتصاددانان نیستند. ابزارها توانسته‌اند با غیرخطی بودن پدیده‌های فضایی مانند زلزله یا مجاورت اقتصادی کنار بیایند. سرانجام، معرفی متغیر «فضا» مستلزم رها کردن فرضیه‌های ساده‌کننده (که علاقه‌مندی همیشگی اقتصاددانان بوده است) بازده‌های ثابت و رقابت کامل بود؛ زیرا با توجه به یک منطق فضایی، بازار بین

تولید کنندگان تقسیم می‌شود، اما بنگاه‌ها با تمام بنگاه‌های دیگر رقابت نمی‌کنند بلکه تنها با بنگاه‌هایی که در نزدیکی آن‌ها واقع شده‌اند در رقابت‌اند، فاصله فضایی به همین دلیل خود یک مانع برای ورود رقباست و این موضوع یک بازار رقابت انحصاری را ایجاد می‌کند. علی‌رغم دشواری‌های موجود در به‌کارگیری بُعد فضا در تحلیل‌ها، طی چند دهه اخیر تا حدودی این کاستی اصلاح شده است. بدین ترتیب گروه‌های مختلف همچون اقتصاددانان، جغرافی‌دانان، بوم‌شناسان، برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای، برای توسعه ابزارها و مهارت‌های تحلیلی، بُعد فضا را در حل برخی از مهم‌ترین مشکلات موجود به کار می‌برند.

در حال حاضر اقتصاد منطقه‌ای می‌تواند ادعا کند سهم واقعی در تئوری‌سازی و تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی دارد. به‌طور کل اقتصاد منطقه‌ای به دنبال پاسخ به سؤالات اساسی از این قبیل است: انتخاب محل بنگاه‌ها و خانوارها در فضا را چه منطق اقتصادی توضیح می‌دهد؟ پیکربندی سیستم‌های بزرگ منطقه‌ای را چه منطق اقتصادی توضیح می‌دهد؟ (برای مثال سیستم‌های شهری).

پاسخ به این سؤالات توسط دو گروه بزرگ از نظریه‌هایی که شکل‌دهنده اقتصاد منطقه‌ای هستند، مطرح شده است:

۱. نظریه مکان‌یابی؛ قدیمی‌ترین شاخه از اقتصاد منطقه‌ای است که ابتدا در اوایل دهه ۱۹۰۰ توسعه یافت و با مکانیزم‌های اقتصادی که به توزیع فعالیت‌ها در فضا می‌پردازد، مرتبط است.

۲. نظریه رشد (و توسعه) منطقه‌ای؛ که بر جنبه‌های فضایی رشد اقتصادی و توزیع سرزمینی درآمد تمرکز دارد.

نظریه مکان‌یابی، به اقتصاد منطقه‌ای هویت علمی-انضباطی می‌بخشد و هسته نظری و روش‌شناختی آن را تشکیل می‌دهد. این نظریه عموماً بنیان‌های اقتصاد خردی دارد و از رویکرد سنتی و استاتیک اقتصاد خرد استفاده می‌کند و انتخاب مکان بنگاه‌ها و خانوارها را بررسی می‌نماید. این نظریه در ارتباط با منطقه از انواع سمبل‌ها، تلاقی‌ها، مواد نظری (از اقتصاد کلان، تئوری تجارت بین‌المللی، تئوری توسعه، محیط زیست، ریاضی، نظریه سیستمی) که ابزار اقتصاد منطقه‌ای را تدوین کرده و طیف وسیعی از تحقیقات را توسعه داده‌اند، استفاده می‌کند. در حالت اقتصاد خردی، نظریه مکان‌یابی شامل بررسی موقعیت مکانی بنگاه‌ها و خانوارها و همچنین شامل تجزیه و تحلیل تفاوت‌ها در توزیع فضایی فعالیت‌ها نیز می‌گردد. پاسخ به این تفاوت‌ها می‌تواند تفسیر عدم تعادل و سلسله‌مراتب در نواحی را امکان‌پذیر سازد.

تئوری موقعیت مکانی از مفاهیم آثار خارجی^۱ و صرفه‌های ناشی از تجمع^۲ استفاده می‌کند تا علت شکل‌گیری کلان‌شهرها به‌عنوان یک تناقض در توزیع فضایی فعالیت‌ها روشن شود. به این ترتیب تحلیل‌های نواحی با رویکردهای پویا پایه‌گذاری می‌گردد.

در مقابل، نظریه رشد منطقه‌ای به‌طور ذاتی مبتنی بر بنیان‌های اقتصاد کلان است. با این حال رویکردهای صرفاً کلان اقتصاد سیاسی با رویکرد نظریه رشد در مورد مسائل نواحی متفاوت است. اما درست همان‌طور که ما می‌توانیم از پایه‌های خرد اقتصاد کلان صحبت کنیم، می‌توانیم از مکان در تئوری رشد منطقه‌ای نیز صحبت کنیم. بین این دو شاخه از اقتصاد منطقه‌ای (تئوری مکان‌یابی و تئوری رشد) تلاقی‌هایی وجود دارد و دو طرف مفاهیم سنتی فضا را به هم نزدیک کرده‌اند (Capello, 2015).

اقتصاد منطقه‌ای از زمان ظهور خود پس از جنگ جهانی دوم تاکنون، با وارد کردن بُعد فضا در تحلیل‌ها، تحولات جالبی را در نظریه‌ها و مدل‌های رشته اقتصاد ایجاد نموده است و پیشرفت‌های چشمگیری در دستیابی به درک بیشتر از ساختار و تکامل سیستم‌های اقتصادی فضایی داشته است. در حال حاضر به نظر می‌رسد که اقتصاد منطقه‌ای یک رشته غنی است که ارتباط زیادی با مشکلات اقتصاد شهری، مشکلات حمل‌ونقل و منابع طبیعی دارد. به همین دلیل می‌تواند یک رویکرد متحد‌کننده برای مشکلاتی ایجاد کند که در تقاطع اقتصاد و جغرافیا پدیدار می‌شوند. لذا اقتصاد منطقه‌ای امروزه به‌عنوان یک رشته تحصیلی مستقل مورد توجه مجامع علمی و دانشگاهی قرار گرفته است.

نعمت‌اله اکبری

نسرین کریمی

1. externalities
2. agglomeration economies